

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر روز ولایت دو امام؛ یادداشت تحلیلی علی‌رضا پناهیان در مورد واقعه غدیر

آنچه که در روز غدیر غریب ماند، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نبود، بلکه قبل از آن و مهم‌تر از آن ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. و این امری بود که باکمال تأسف باید گفت قبل از آن هم سابقه داشت و بی سابقه نبود.

Panahian.net 

غدیر تجلی گاه ولایت اعظم

واقعه آسمانی و بسیار پراهمیت غدیر از جهات گوناگون و ابعاد مختلفی قابل بررسی و تأمل است. اما به نظر می‌رسد آنچه مقدم بر همه ابعاد باید مورد توجه قرار بگیرد، آن است که غدیر قبل از آنکه محلی برای اعلام ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، محلی برای تجلی ولایت اعظم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. به عبارتی دیگر غدیر مهم‌ترین موقع محک اطاعت پذیری مردم، نسبت به ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، تا پذیرش ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام.

اگر بخواهیم در غدیر به غربت وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نگاه کنیم، باید پیش از آن به غربت خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بنگریم. غربتی که ناشی از نتیجه آن امتحان بزرگ بود. در واقع باید بگوییم غدیر اساساً زمان اوج غربت ولایت پیامبر ﷺ بود، قبل از آن که آغاز غریبی امیرالمؤمنین علیه السلام باشد.

مهمترین سند این سخن همان کلام محوری رسول خدا ﷺ در سخنرانی غدیر است که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مُوَلَّاهُ» ابتدا بر ولایت خود تأکید می‌فرماید و سپس به ولایت علی علیه السلام تصریح می‌کند. لازمه این معنا آن است که: هر که ولایت رسول خدا ﷺ را نپذیرفته باشد، طبیعتاً ولایت علی علیه السلام را هم نخواهد پذیرفت.

با کلمه «مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ» در واقع ابتدا رسول خدا ﷺ از مردم پرسیدند، چه کسی مرا به مولایی قبول دارد؟ چه کسی است که بر شما از خودتان به خودتان حق دارتر است؟ اولاد عوا بر سر همین موضوع بود و اتفاقاً بر سر همین موضوع هم باقی ماند، یعنی ولایت رسول خدا ﷺ.

خدای متعال به جای آنکه خود با آیه‌ای در قرآن به

معرفی صریح ولایت و وصایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بپردازد، کار معرفی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واگذار می‌کند. درست است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنچه را بر زبان جاری می‌کند همه به دستور خداوند متعال است. چرا که فرمود: «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ». اما گاهی او امر خدا صریحاً و مستقیماً در آیات قرآن آمده است و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را برای مردم قرائت می‌کند و در نهایت آن را شرح می‌دهد. گاهی او امر الهی باید از طریق بیان مبارک رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردم برسد؛ و مردم از او بشنوند مانند آنچه در جزئیات بعضی از احکام، و مصادیق برخی دیگر از اوامر الهی این چنین عمل می‌شد. و مردم هم عموماً با چنین رویه‌ای آشنا بودند.

در واقع خداوند به رسول خود اینگونه دستور داده است که چون بر مردم واجب است که امر تو را اطاعت کنند و چون اطاعت امر تو همان اطاعت امر من است، پس تو به آنها امر کن که ولایت علی ابن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را بپذیرند. خداوند متعال خواسته

است حکم ولایت و وصایت امیرالمؤمنین از زبان پیامبر ﷺ به مردم برسد. این شیوی ابلاغ، با توجه به همه حساسیت‌هایی که درباره این موضوع وجود داشت، زمینه امتحان بزرگ مردم درباره میزان تبعیت از فرمان رسول خدا ﷺ شد.

اما حکمت این که چرا خداوند اساساً معارف و احکام دین خود را دو قسمتی کرده است، بخشی از آن‌ها را خود صریحاً در کتاب مقدس بیان می‌کند و بخشی از آن‌ها را به عهده پیامبر خود می‌گذارد، و او باید به بیان و انشاء آنها بپردازد، موضوع بسیار مهم و قابل تأملی است که باید در جای خود مورد بررسی قرار بگیرد. و بعد، این که چرا اعلام وصایت و امامت علی علیه السلام در آن بخش قرار گرفته است که پیامبر باید رأساً آن را به مردم ابلاغ کند خود موضوع قابل توجه دیگری است که در بردارنده رازها و رمزهای بیشماری است و نباید از آن گذشت؛ و در مجال دیگری باید به آن پرداخت.

پس عید غدیر روز ولایت دو امام است. یکی

امامت و ولایت اعظم نبی مکرم اسلام ﷺ که در
اوج خود به منصبی ظهور رسید؛ و دیگری امامت
امیرالمؤمنین علیؑ که به همه مردم اعلام شد. در
حقیقت ما عید غدیر را به دو دلیل جشن می‌گیریم.
یکی عالی‌ترین تجلی ولایت رسول الله ﷺ و دیگری
فراگیرترین اعلام رسمی ولایت علی ولی الله علیؑ.

ولایت رسول الله اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

ممکن است تعبیر ولایت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا حدودی ناآشنا به نظر برسد. چون معمولاً مفهوم ولایت برای مؤمنان، یادآور معنای ولایت امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام است. ولی می دانیم پیامبران الهی عموماً و خاتم النبیین خصوصاً از مقام امامت هم برخوردار بوده اند. آنجا که خداوند متعال می فرماید: «مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» اشاره به همین مقام ولایت دارد. و وقتی بارها به اطاعت آخرین رسولش در کنار اطاعت خودش امر می کند و می فرماید «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» به ولایت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مستقلاً تصریح دارد.

همچنانکه پیامبر گرامی ﷺ نیز قبل از بیان حکم ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام، به امر ولایت خود تصریح فرمودند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ وَلِيَّكُمْ وَأَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ...»

معنای ولایت رسول خدا ﷺ این است که او می تواند به ما فرمان بدهد و لزوم تبعیت از فرمان او برای ما به اندازه ضرورت اطاعت از خداوند متعال است. او صاحب اختیار ماست و اداره امور زندگی ما در اختیار او قرار داده شده است. پس او می تواند برای بعد از خود امامی منصوب نماید حتی اگر خدا صریحاً به او نفرموده باشد این کار را انجام بدهد و یا چه کسی را منصوب کن. اگر چه در واقع غدیر آنچه اعلام شد طبق دستور مؤکد و مشخص خداوند متعال بود و این مطلب را بارها پیامبر اکرم ﷺ تصریح فرمودند.

تأکید قرآن بر ولایت پیامبر است یا جانشینان او؟

سبب شهرت این آیه کریمه قرآن «یا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»
در بین مؤمنان به ولایت امامان معصوم علیهم السلام، بیشتر
وجود لفظ «أُولِي الْأَمْرِ» است؛ و توجه ما بیشتر
معطوف به دلالت آیه بر ولایت اولی الامر و تعیین
مصدق آن در کلمات رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ که در
جای خود امر لازمی است. اما ذیل این آیه کریمه
باید پیش از پرداختن به لزوم اطاعت از اولی الامر،
به اطاعت از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توجه شود.

در این آیه قرآن کلمه «أَطِيعُوا» دو بار تکرار شده؛

یک بار پیش از کلمه مقدس «الله» و بار دیگر پیش از کلمه مبارک «الرَّسُول». با اینکه ممکن بود با یکبار گفتن «اطیعوا» کلمه رسول را به خدا عطف نمود. همچنانکه در جمله بعدی کلمه اولی الامر به رسول عطف شده است. و حتی ممکن بود هر سه کلمه پس از یکبار اطیعوا پشت سرهم بیایند و بر یکدیگر عطف شوند.

اما اینکه یک بار فرموده است که از خدا اطاعت کنید و دوباره فرموده است از رسول اطاعت کنید، نشانه تأکید ویژه خداوند متعال بر اطاعت رسول است و نشان می‌دهد اطاعت رسول خدا ﷺ آنچنان هم در میان مردم بی‌مسئله نیست.

گویا خداوند متعال به مردم می‌گوید؛ رسول من حرفهایی برای شما دارد که صریحاً در قرآن کریم نیامده است و مستقیماً امر من محسوب نمی‌شود اما از آنجاکه او از روی هوا حرف نمی‌زند بلکه هر سخنی می‌گوید عین وحی است «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» او امر او مانند او امر

من واجب اطاعه است. پس تأکید قرآن کریم در این آیه بر توجه نمودن به اطاعت از رسول است. واقعیت هم همین است؛ اگر از رسول خدا اطاعت کامل می‌کردند دیگر دعوایی بر سر اطاعت از اولی الامر و تعیین مصادیق آن و پنهان نمودن او امر صریح رسول گرامی ﷺ باقی نمی‌ماند.

پس آنچه که در روز غدیر غریب ماند، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نبود، بلکه قبل از آن و مهم‌تر از آن ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. و این امری بود که با کمال تأسف باید گفت قبل از آن هم سابقه داشت و بی سابقه نبود. کسانی که در عصر حضور و حاکمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و هنگام صدور فرامین او صریحاً از او می‌پرسیدند: این فرمان خداست یا فرمان خودت، پیدا است بعد از او با فرمان هایش چه می‌کنند.

اشارات و تصریحات قرآن به

غربت ولای پیامبر ﷺ

باید دانست شخص رسول الله ﷺ نبود که غریب بود بلکه او در آن زمان در اوج شهرت، محبوبیت و اقتدار اجتماعی قرار داشت، ولی شخصیت ولایی پیامبر ﷺ غریب بود. یعنی اینکه از او به عنوان رسولی که اطاعت او امرش واجب است و ولایتش مطاع است کمتر تبعیت می شد. حتی شخصیت نبوی رسول الله ﷺ هم غریب نبود چون بسیار شده بود که هنگام بیان یک امر دینی از او می پرسیدند، آیا این سخن خداست یا حرف خود توست این سؤال آن چنان که تاریخ نشان می دهد آن زمان سؤال نسبتاً

رایجی بود و گواه بر این مدعاست که برخی از مردم به سهولت بین فرمان خدا و رسول ﷺ تبعیض قائل می شدند. البته کار به همین جا ختم نمی شد بلکه بسیاری اوقات با پیامبر ﷺ به بحث و جدل نیز می پرداختند و برای تغییر رأی رسول خدا ﷺ اصرار می ورزیدند.

جا دارد برای اثبات غربت ولایی رسول خدا ﷺ به آیه ای از قرآن نگاه کنیم: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا» یعنی: «هنگامی که به آنها گفته می شود به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر ﷺ بیایید منافقین را می بینی که از تو اعراض می کنند». اینکه چرا از ما انزل الله هر چند به ظاهر اعراض نمی کنند ولی از اطاعت از رسول اعراض می کنند موضوع جالب توجه و مهمی است.

بیماری و مرض منافق، این است که می گوید ما با کتاب خدا مشکلی نداریم بلکه با حرف رسول خدا ﷺ مشکل داریم. در نتیجه بر سر راه

ما انزل الله سداً ایجاد نمی‌کند و حتی شاید مردم را دعوت به قرآن خواندن هم می‌نماید ولی به فرمایش قرآن از اطاعت پیامبر ﷺ سرباز می‌زنند.

عظمت ولایت رسول خدا ﷺ و نیز غربت ولایت او به اندازه‌ای است و در قرآن کریم آن قدر سخن از آن به میان آمده که دیگر نوبت به سخن صریح از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌رسد. در واقع خداوند با سخن از ولایت رسولش، از ولایتی سخن گفته که اگر مورد ظلم و انکار واقع نمی‌شد، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به راحتی پذیرفته می‌شد و دعوایی بر سر آن نبود.